



تاریخ نشان داد ما مرعوب نبودیم

گفت و گو با حسین موسویان دیپلمات برجسته

سارا معصومی

دبیر سرویس دیپلماسی

مذاکرات هسته‌ای میان ایران و ۵+۱ پس از ۱۳ سال در سال ۹۴ به نتیجه رسید؛ پرونده‌ای که در سه دولت دست به دست شد و گرمی و سردی‌های بسیار را تجربه کرد اما به گفته مذاکره‌کنندگان دولت‌های اصلاحات و دولت کنونی تدبیر و امید همواره تصمیم‌گیری‌های کلان این پرونده در اختیار مقام‌های عالیرتبه بوده است. سید حسین موسویان راهمه با عنوان مذاکره‌کننده ارشد در دولت اصلاحات می‌شناسند اما دیپلماسی عمومی که وی در دو سال گذشته برای تامین منافع ملی ایران در خارج از مرزها به کار گرفته است کم از حضور در پشت میز مذاکرات ندارد. موسویان در دو سال ممکن در قاره سبز و البته ایالات متحده حاضر شده و از بر نامه هسته‌ای ایران با عنوان صلح آمیز نام برده و دست‌خورد در بحران سازی از این پرونده را بر ملا کرده است. موسویان که عنوان پژوهشگر ارشد در دانشگاه پرینستون را به خود اختصاص داده است در دولت هاشمی رفسنجانی سفیر ایران در آلمان و در دولت خاتمی معاون دبیر شورای عالی امنیت ملی (حسن روحانی) و عضو هیات مذاکرات هسته‌ای ایران بود. موسویان در مصاحبه‌ای کوتاه با «اعتماد» از حاشیه‌های مذاکراتی می‌گوید که در آن حضور مستقیم داشته است؛ مذاکراتی که وی اعتقاد دارد یکی از دلایل ناکامی آن غیبت امریکادر پشت میز مذاکرات بوده است. موسویان در این گفت و گو از هشدارهایی می‌گوید که در زمان دولت عدالت گستر مهرورز در خصوص انتقال پرونده به شورای امنیت داده بود اما عمل را به جایی نبرد و در نهایت هم آن تهدیدها جامه عمل پوشید. متن این گفت و گو به شرح زیر است:

پوشش ندهند.

من یاد ندارم ما محدودیتی برای رسانه‌ها در پوشش اخبار تعیین کرده باشیم. حجم انتقادات در آن دوره وحشتناک بود و تیم هسته‌ای هم مورد حمایت ملی نبود. در آن مقطع ما در ابتدای بحران هسته‌ای بودیم و دیدگاه‌ها بسیار متفاوت بود. برداشت سیاسیون کشور هم این بود که دو یا سه ماه مذاکره کافی است. ضمناً اکثر هم تهدید شورای امنیت را جدی نمی‌گرفتند و حتی خیلی‌ها به ما می‌گفتند که شما از ترس مرگ خودکشی کرده و مرعوب بلوف غربی‌ها شده‌اید و برخی هم ما را خائن می‌خواندند و قس علیهذا. اما زمانی که پرونده در دوران آقای احمدی‌نژاد به شورای امنیت رفت و ایران تحریم شد، تازه همان مخالفان و منتقدان باور کردند که تهدید، بلوف نبود و ما هم مرعوب نبودیم. اما حیثیت که هزینه این باور برای کشور صد هابیلیار دلار بود.

قدرت تصمیم‌گیری شما به عنوان عضو ارشد تاجه اندازه بود؟

من و سایر اعضای تیم هسته‌ای تصمیم‌گیرنده نبودیم و پیشنهاددهنده بودیم. برخی اوقات مقامات پیشنهاد تیم هسته‌ای را می‌پذیرفتند و برخی از اوقات هم آن را رد می‌کردند.

معمولاً چه جنس پیشنهادهایی از سوی مقامات مورد اشاره شما رد می‌شد؟

ما عموماً سعی می‌کردیم توضیح دهیم که این تهدید چقدر جدی است، چرا نیازمند زمان هستی، چرا از نظر حقوق بین‌الملل و با وجود قطعنامه‌های شورای حکام آژانس، باید با توافق با آژانس و اعضای شورای امنیت سازمان ملل، غنی‌سازی داشته باشیم. در آن زمان این نوع نظرات پذیرفته نبود چرا که عمق تهدید جدی تلقی نمی‌شد. مادر همان مقطع نگران بودیم و هشدار می‌دادیم که رفتن پرونده به شورای امنیت یعنی اینکه ایران به گروگان‌گیری آمریکا در خواهد آمد زیرا هیچ توافقی بدون آمریکا

مسئولیت‌های مشخص و محوله‌ای داشتید؟

آن مقطع مذاکراتی شهر یور ۱۳۸۲ تا مرداد ۱۳۸۴ را شامل می‌شد. مسئولیت اصلی من هم معاونت سیاست خارجی شورای عالی امنیت ملی بود. هر چند من عضو تیم مذاکره‌کننده و سخنگوی هسته‌ای بودم اما مادر شورای امنیت مسائل مهم دیگری مانند بحران افغانستان، پرونده عراق و بسیاری از مسائل مهم سیاست خارجی دیگری هم داشتیم که من به شدت درگیر آنها بودم. مادر موضوع هسته‌ای یک تیم کارشناسی داشتیم که در آن مدیران میانی تمام دستگاه‌های ذیربط حضور داشتند و کارشناسی‌های لازم را انجام می‌دادند. در مرحله بالاتر شورای هسته‌ای به ریاست دکتر روحانی بود که در آن وزرا حضور داشتند و تصمیم‌گیری‌های اصلی در آن شورای انجام می‌گرفت. تصمیمات این شورا گاهی در شورای عالی امنیت ملی مطرح و سپس برای رهبری ارسال می‌شد. گاهی هم تصمیم جلسه شورای هسته‌ای مستقیماً برای اعلام نظر مقام معظم رهبری ارسال می‌شد. گاهی هم مقام معظم رهبری شخصاً جلسه می‌گذاشتند و با حضور برجسته‌ترین مقامات ذیربط کشور موضوع بحث و در خصوص آن تصمیم‌گیری می‌شد.

منظور از فاصله زمانی، فاصله‌های زمانی مشخص با تروویکای اروپایی بود. به عنوان نمونه تیم دولت تدبیر و امید به طور متوسط ماهی دو تا سه بار با ۵+۱ مذاکره هسته‌ای داشتند؟

بله منظور من هم دوران مذاکره با سه کشور اروپایی بود که در آن دوران جلسات ما هم زیاد بود اما من به فشرده‌گی دوران ریاست جمهوری دکتر روحانی.

شما فرمودید که سخنگوی هسته‌ای هم بوده‌اید. آیا در آن مقطع محدودیتی برای انتقال اخبار مذاکرات به رسانه‌ها تعیین می‌کردید؟ در دولت‌های نهم و دهم در بسیاری از موارد دوازده رسانه‌ها درخواست می‌شد که نتیجه مذاکرات را در رسانه خود چندان

شما مذاکره‌کننده ارشد در دولت اصلاحات بودید. در آن سال‌ها هنوز مذاکره بر سر پرونده هسته‌ای مانند دولت یازدهم رویه‌ای عادی نبوده و تیم آقای روحانی که شما نیز در آن حضور داشتید نخستین رویارویی مذاکراتی با تروویکای اروپایی را تجربه کردید. در آن زمان بر چه اساسی افراد مذاکره‌کننده با غرب انتخاب شدند؟ چه معیارهای سیاسی برای این انتخاب وجود داشت؟

معیار انتخاب، تسلط و تجربه کار دیپلماتیک موفق بود. در آن زمان شورای هسته‌ای که متشکل از دبیر شورای عالی امنیت ملی، وزیر خارجه، وزیر دفاع، نماینده مقام معظم رهبری و رئیس سازمان انرژی اتمی بود بسیار فعال بود. در آن شورا دکتر ولایتی که ۱۶ سال سابقه کار و فعالیت در وزارت خارجه را داشته و دیپلمات‌ها را خوب می‌شناخت، افراد مدنظر برای حضور در مذاکرات را معرفی کرد. شورا هم این افراد را تایید کرد و بعد از تایید مقامات عالی، تیم مذاکره‌کننده با مسوولیت دکتر روحانی کار خود را آغاز کرد.

آیا در زمان آقای احمدی‌نژاد هم این شورای هسته‌ای فعال بود و در تعیین مذاکره‌کنندگان هسته‌ای نقش داشت؟

بله در دوران ایشان هم این شورا فعال بود. شاید برخی از مقامات به آن ترکیب اولیه اضافه شده باشند اما قطعاً مقامات حاضر در شورا اکثر تغییر کرده بودند. افراد جدید هم دیدگاه متفاوتی داشتند که در نتیجه یک استراتژی کاملاً متفاوت در دوران آقای احمدی‌نژاد اجرا شد. استراتژی که موجب راجع پرونده به شورای امنیت سازمان ملل و اعمال سیل تحریم‌های ظالمانه بین‌المللی و چند جانبه علیه ایران شد.

در آن بازه زمانی شما به عنوان مذاکره‌کننده ارشد در چه فاصله‌های زمانی مذاکرات را انجام می‌دادید؟ شما چه

ممکن نخواهد بود و امریکاهم نمی گذارد از دستور شورای امنیت خارج شویم.

آیا در خصوص ریز مسائل هم با مقام‌های عالی نظام هماهنگی به عمل می‌آید؟

گزارش کامل و دقیق موضوعات بدون استثناء تقدیم مقامات عالی، تصمیمات-اجماعی اتخاذ می‌شود تیم مذاکره‌کننده هم‌محری تصمیمات بود.

قدرت مانور رییس‌جمهور در آن مذاکرات تا چه اندازه بود؟

رییس‌جمهور همیشه قدرت مانور بسیاری داشته است. اما آقای خاتمی به دلیل اعتمادی که به دکتر روحانی داشت، در عمل مدیریت پرونده هسته‌ای را به عهده ایشان گذاشته بود. به هر حال رییس‌جمهور هم دبیر شورای عالی و رییس و اعضای تیم هسته‌ای را تعیین می‌کند و هم خود رییس‌شورای عالی امنیت ملی است. از سوی دیگر مقام معظم رهبری همیشه هموار ملاحظه نظر رییس‌جمهور را کرده‌اند.

خطوط قرمز تعیین شده از سوی نظام برای آن مذاکرات چه بود؟

حق بهره‌مندی جمهوری اسلامی از تکنولوژی صلح‌آمیز هسته‌ای شامل غنی‌سازی و آب سنگین در چارچوب معاهده ان پی تی، خط قرمز نظام بود.

فرآیند شکلی مذاکره به چه شکل بود؟ آیا برای تعیین محل مذاکرات پروتکل خاصی یا تریبیتال خاصی رعایت می‌شد؟

در آن زمان ما چندان در مورد محل مذاکره بحث نمی‌کردیم چرا که برای ماحضرتای مذاکره مهم بود. در یک مشترک وجود داشت مبنی بر اینکه محل مذاکرات نمی‌تواند واشنگتن باشد و به همین دلیل عمده دورهای مذاکراتی در کشورهای اروپایی بود.

آیا تیم مذاکره‌کننده تا به امروز صاف یا صرفاً متخصص و کارشناس در امر دیپلماسی؟

رییس و اعضای تیم مذاکرات هسته‌ای نماینده تامه ملی بودند اما مجری تصمیمات ملی.

اگر تیم‌های مذاکره‌کننده مجری تصمیم‌های ملی هستند بنابراین این نقش مذاکره‌کننده‌های متفاوت در سه دولت اصلاحات، عدالت گسترده‌مهرور و دولت تدبیر و امید چه بوده است؟ بر این اساس تصمیم برای رسیدن به توافق یا نرسیدن در سطح دیگری گرفته و مذاکره‌کنندگان آنها مجری بوده‌اند.

مهم تصمیم‌شورای هسته‌ای بود. معمولاً مقامات عالی به تصمیم‌شورای هسته‌ای احترام می‌گذاشتند. اعضای شورای هسته‌ای هم در دوران دولت اصلاحات و هم در دولت تدبیر از یک طرز تفکر برخوردار بودند اما در دولت مهرور و اوضاع کاملاً متفاوت بود.

در نخستین رویارویی تیم ایرانی با تیم ترویبیکای اروپایی، طرف مقابل چه درخواست‌هایی را مشخصاً اعلام کرد؟

نخستین جلسه در مهر ۸۲ و چندروز قبل از ورود سه وزیر اروپایی به تهران بود که من مسئولیت این مذاکرات هیات کارشناسی را بر عهده داشتم. در آن مقطع مذاکره‌کنندگان اروپایی ابتدا انصراف ایران از غنی‌سازی را مطرح کردند که رد کردیم. بعد تعلیق غنی‌سازی برای دورهای نامحدود یا نامشخص مطرح کردند که باز هم رد کردیم.

البته بعدها تعلیق برای مدت زمان محدود را اجرایی هم کردیم؟
بله بعد از توافق سعد اجرا کردیم منتهی همیشه در مورد محدوده تعلیق اختلاف داشتیم.

آیا در آن دوره از مذاکرات شناخت فرد به فرد افراد تیم مذاکره مقابل و بررسی سوابق آنها تأثیری بر نتیجه‌گیری نهایی داشت؟

تیم مذاکره‌کننده اروپایی وضع بدی داشت. ما مجری تصمیم‌های مقامات عالی کشور خودمان بودیم اما اروپایی‌ها اختیار اجرای تصمیمات خودشان را نداشتند زیرا باید موافقت واشنگتن را جلب می‌کردند. لذا تصمیم‌گیرنده اصلی طرف مقابل، در مذاکرات غایب بود و ما هم اجازه مذاکره مستقیم با هم نداشتیم.

آقای ظریف اخیراً در مصاحبه‌های تأکید کرده‌اند دلایلی که مذاکرات با سه کشور اروپایی به نتیجه نرسید، شکل‌گیری جریانی بود که به صورت گسترده از سوی امریکایی‌ها طرح‌ریزی شده بود. از آن سو تلاشی هم از سوی اروپایی‌ها شده بود که رابطه شان را با امریکا اصلاح کنند و در مجموع به این دلایل آن مذاکرات به نتیجه نرسید. گرچه من بر این باورم اگر همان روند از سوی ایران ادامه پیدا کرده بود و در انتخابات سال ۸۴، ماروندی کاملاً متضاد با مسیور قبلی را در پیش نمی‌گرفتیم، مذاکرات به نتیجه می‌رسید. بنابراین نظر آقای ظریف این است که بدون امریکادر

گردونه مذاکرات هم توافق ممکن بود. نظر شما در این خصوص چیست؟

من مصاحبه آقای ظریف را خوانده‌ام. اما بعید می‌دانم مذاکرات بدون حضور یا حداقل موافقت امریکایی‌ها می‌توانست به نتیجه برسد. طرف اصلی آقای ظریف بعد از آنکه مذاکرات را در سمت وزیر خارجه و مسوول مذاکرات هسته‌ای در شهریور ۹۲ شروع کرد، امریکایی‌ها بودند. تیم هسته‌ای بیست‌ترین و جدی‌ترین مذاکرات را در این دوره با امریکایی‌ها انجام دادند. در طول حدود دو سال اخیر مذاکرات هم هرآنچه که تیم هسته‌ای ما با امریکایی‌ها توافق می‌کرد، مورد پذیرش سایر اعضا قرار می‌گرفت. در این دو سال تنها عضو که نق می‌زد، فرانسوی‌ها بودند، اما تجربه دو سال مذاکرات اخیر هم نشان داد که فرانسه هیچگاه نتوانست توافقات انجام‌شده ما با امریکایا را تغییر دهد. بنابراین جای شکی باقی نمی‌ماند که مذاکرات هسته‌ای بدون مذاکره با امریکایی‌ها ناملعموم‌مواجه می‌شد.

آیا اروپایی‌ها در آن مقطع پیشنهاد حضور امریکادر مذاکرات رانمی‌دادند؟

اروپایی‌ها از همان ابتدا معتقد بودند که هر پنج عضو شورای امنیت باید مستقیم درگیر مذاکرات هسته‌ای باشند. وقتی ما به آنها گفتیم که اجازه مذاکره مستقیم با امریکایا را نداریم، به ما گفتند که هر چه با شما مذاکره کنیم رایه واشنگتن گزارش می‌دهیم. و اگر آنها موافقت کردند، ما هم تعهد می‌دهیم. البته فرض اروپایی‌ها این بود که هم آنها و هم ما با روس‌ها و چینی‌ها در هماهنگی و ارتباط هستیم. در مذاکرات پاریس در پاییز ۱۳۸۲، هر چند ساعتی که مذاکره می‌کردیم و به یک نقطه مهم برای تصمیم‌گیری می‌رسیدیم، اروپایی‌ها درخواست تنفس می‌کردند و بلافاصله جان ساووز مذاکره‌کننده انگلیسی با واشنگتن تماس گرفته و گزارش می‌داد و نظر آنها را می‌گرفت. برای ما کاملاً روشن بود که سه کشور اروپایی نقش واسطه و محلل را داشتند.

خاطره‌ای از تعیین‌کننده‌ترین اتفاقات مذاکرات در آن دوره دارید؟

شاید مادر مشکلات مذاکرات ایران و سه کشور اروپایی در ۸۲ تا ۸۴ در این خاطره خلاصه شود که البرادعی قبل از ورود سه وزیر خارجه اروپایی به تهران آمد. دکتر روحانی ملاقات خصوصی با وی داشت و چند بار از او پرسید که از نظر آژانس معنی تعلیق چیست؟ او صریح گفت: «خودداری از گازدهی به سانتریفیوزها». وقتی وزرای سه کشور اروپایی آمدند دعوی اصلی بر سر تعلیق بود.

دکتر روحانی به اعتماد حرف و قول و تعریف البرادعی بعد از مشورت تلفنی با مقامات عالی، پذیرفت که تعلیق بر اساس تعریف آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای صورت گیرد. بعد از یک ماه آژانس دوسه صفحه بدون امضا و بدون سربرگ آژانس برای ما فاکس کرد که تعلیق را وحشتناک فراگیر تعریف کرده بود یعنی تعلیق گازدهی، تولید و مونتاژ و نصب سانتریفیوز، تعلیق پروژه‌های صفهان و نظنزواراک و حتی ساخت و ساز. ما شوکه شدیم. وقتی از البرادعی پرسیدیم گفت تعریف فنی و قانونی آژانس همان است که من گفتم. این بر که تعریف سیاسی تعلیق است که توسط قدرت‌های بزرگ تعیین شده و من هم اختیاری ندارم. به همین دلیل هم من نه امضا کردم و نه حاضر شدم روی سربرگ آژانس بیاورم. البته البرادعی همین حقیقت را در کتاب «عصر فریب» خود هم بعداً نقل کرد.

تیم ایران اظهارات البرادعی را به وزیر سه کشور اروپایی منتقل نکرد؟ پاسخ آنها به این تعریف سیاسی و نه فنی و حرفه‌ای چه بود؟

البته که ما به اروپایی‌ها گفتیم و آنها این مساله را با امریکایی‌ها در میان گذاشتند. اما مبنای اساس استراتژی امریکایی‌ها حذف غنی‌سازی بود و بر همین اساس پیغام دادند که تعلیق باید تعلیق غنی‌سازی و هر آنچه که به نحوی با غنی‌سازی مربوط می‌شود را شامل شود.

چرا تیم مذاکره‌کننده در همان زمان با علنی کردن این اتفاق‌های پشت پرده فضای رسانه‌ای به خصوص در سطح بین‌المللی را به نفع ایران تغییر نمی‌داد؟

یک نکته کلیدی که اکثر تحلیلگران فراموش می‌کنند این است که در شهریور ۸۲، آژانس قطعنامه‌ای صادر کرده و تصویب کرده بود که غنی‌سازی و کلیه فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی باید تعلیق شود. اجرای قطعنامه‌های شورای حکام آژانس هم برای اعضا الزامی است و نه اختیاری. تیم هسته‌ای به ریاست دکتر روحانی بعد از این قطعنامه کار خود را آغاز کردند و قبل از آن.

در آن بازه زمانی اروپایی‌ها در خصوص کدام مساله و توانایی هسته‌ای ایران بیشترین مقاومت را از خود نشان می‌دادند؟
اروپایی‌ها روی غنی‌سازی و آب سنگین مقاومت می‌کردند اما وضع

مذاکرات ما با آنها به جایی رسید که می‌توانستیم توافقی مثل اصول برجام بکنیم. لکن در آن مقطع غنی‌سازی و آب سنگین خط قرمز امریکایی بود و ما هم راه مذاکره با امریکایا را نداشتیم.

در آن مقطع هیچگاه فردی در داخل تیم یا شورای عالی امنیت ملی یا نهاد‌های عالی‌رتبه دیگر پیشنهاد مذاکره مستقیم با امریکایا رانداد؟

تیم مذاکره‌کننده معتقد بود که ما باید با هر پنج عضو شورای امنیت مذاکره کنیم. اما نهایتاً تصمیم به عهده مراجع عالی تری بود.

اصلی‌ترین تفاوت مذاکره هسته‌ای در دولت‌های نهم و دهم با مذاکره در دولت یازدهم چه بود؟

از نظر من فرمولی که در قالب برجام در دولت یازدهم توافق شد همان محتوا را هم دولت نهم و دهم آماده توافق بودند. منتهی شرایط سیاسی بین‌المللی در دوره دولت نهم و دهم به قدری منفی شده بود که امکان توافق برای قدرت‌های جهانی ایران وجود نداشت. در عین حال واقعیت این بود که مذاکرات هسته‌ای نخستین تجربه مهم مذاکرات بین‌المللی دکتر جلیلی بود در حالی که دکتر ظریف از دوران مذاکرات قطعنامه ۵۹۸ در مذاکرات مهم بین‌المللی حضور داشت و او و تیمش جزو باتجربه‌ترین دیپلمات‌های بین‌المللی ایران بودند. دکتر ظریف سابقه حضور در مذاکرات هسته‌ای دکتر روحانی را داشت و نقش کلیدی هم داشت. نکته مهم دیگر این بود که دکتر ظریف از آغاز بحران هسته‌ای به مناسبت مسوولیتش به عنوان سفیر ایران در نیویورک، با دانشمندان هسته‌ای امریکایا زیاد صحبت کرده بود و ذهن امریکایی‌ها را خوب می‌شناخت. البته یک قاعده بسیار تعیین‌کننده دیگر هم وجود داشت و تسلط فوق‌العاده دکتر ظریف به زبان انگلیسی است. من از برخی امریکایی‌های خبره شنیده‌ام که او از خیلی از امریکایی‌ها هم به زبان انگلیسی مسلط‌تر است. تفاوت‌ها زیاد است اما انصافاً فضای بین‌المللی بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۹۲ زیر و رو شد و دکتر ظریف این شانس را داشت که در یک فضای بین‌المللی کاملاً آماده و مثبت مذاکره کرد.

آیا ممکن نبود که ترکیب تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران با آمد و رفت دولت‌ها تغییر نکند؟ به هر حال تیم اصلاحات برای آشنایی با روحیه مذاکره‌کنندگان مقابل وقت و انرژی صرف کرد و با تغییر دولت دوباره افراد جدیدی روی کار آمدند و سرمایه قبلی نظام در آشنایی مذاکره‌کنندگان با جزئیات و وضعیت پرونده هسته‌ای برآورد رفت؟

خیر. چون رییس‌جمهوری انتخاب شده بود که کلاً با سیاست‌های هسته‌ای دولت قبیل مخالف بود و در دوران انتخابات هم صراحتاً مخالفت خود را بر مردم در میان گذاشته بود و سیاست‌های خود را هم علناً اعلام کرده بود و روی ما آورده بود. لذا حق او بود که سیاست‌های خود را اجرا کند. علاوه بر این اگر آقای احمدی‌نژاد می‌خواست تیم قبلی را نگه دارد اما تیم قبلی سیاست‌های او را اجرا کنند، ما نمی‌توانستیم قبول کنیم چون برای ما صدر صد روشن بود که این سیاست‌ها، ایران را روی میز شورای امنیت سازمان ملل می‌نشانند و تحریم‌های رنگارنگ آغاز می‌شود. من نخستین نفری بودم که آقای احمدی‌نژاد برای تصدی وزارت خارجه با او صحبت کرد. دوساعت با تیم صحبت کردیم. ایشان صدر صد مخالفت سیاست‌های هسته‌ای هم دکتر روحانی بود. من هم با کمال صداقت خدمت ایشان گفتم که سیاست‌های شما اگر اجرا شود، پرونده هسته‌ای به شورای امنیت خواهد رفت. لذا برای من مقدور نبود که مجری سیاستی باشم که می‌دانم صدر صد معایر منافع ملی کشور است.

بعد از اینکه آقای متکی وزیر خارجه شد، ایشان هم در حق من لطف داشت و من را دعوت کرد و پیشنهاد کرد که من مسوولیت هسته‌ای در وزارت خارجه را بپذیرم. ایشان پیشنهاد کرد که بستی در حد معاون وزیر تعریف شود و همه سفرها و معاونین هم در این زمینه با من هماهنگ باشند. ایشان پیش‌نویس متن حکم را هم نوشته بود. من به آقای متکی گفتم. من مسوولیت نهایی اجرا تصمیمات هسته‌ای کشور است و از الان هم معلوم است که سیاست جدید چه خواهد بود و من هم یک درصد شک ندارم پرونده به شورای امنیت خواهد رفت و لذا من نمی‌توانم مجری چنین سیاست‌هایی باشم. منتهی به آقای متکی گفتم من حاضر به عنوان یک کارشناس ساده در دفتر شما نشینم و هر روز نقطه نظرات کارشناسی خودم را مکتوب در اختیار شما قرار دهم زیرا این را یک وظیفه می‌دانم. وقتی هم دکتر روحانی مسوولیت مرکز تحقیقات را پذیرفت و من هم معاون بین‌المللی ایشان شدم، هر هفته یک گزارش کارشناسی تقدیم مسوولان می‌کردیم. در آن گزارش‌ها عواقب سیاست‌های وقت را گوشزد می‌کردم و پیشنهادهایی هم ارائه می‌کردم اما کسی نظرات مرا قبول نداشت.